

دانش و پژوهش

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

(علوم انسانی)

شماره دوم - زمستان ۱۳۷۸

صص ۱۴۴-۱۳۵

بررسی عوامل مؤثر در گرایش به شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای)

نظام جدید آموزش متوسطه از دیدگاه دانش آموزان این رشته

در شهر اصفهان

محمدحسین یارمحمدیان* - سیدرضا جمالزاده**

چکیده

این پژوهش گامی در جهت شناخت علل گرایش به شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای نظام جدید آموزش متوسطه) از دیدگاه دانش آموزان دختر و پسر شهر اصفهان می‌باشد که در آن عوامل آموزشی، شخصی، اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی به‌عنوان عوامل مؤثر در این گرایش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اطلاعات این پژوهش از پرسشنامه توزیع شده بین دانش آموزان پسر (۱۴۴ نفر) و دختر (۶۴ نفر) شاخه کار دانش شهر اصفهان در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ به دست آمده است که با نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. پرسشنامه ۳۸ سؤال بسته پاسخ داشته است.

* - استادیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

** - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی و مشاور آموزش و پرورش

به طور کلی در این پژوهش مشخص شد که عوامل شخصی (فردی) در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر به شاخه کار دانش بیشترین تأثیر را دارد و در میان پسران سایر عوامل به یک اندازه در گرایش آنها مؤثر بوده، ولی به ترتیب عوامل اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی پس از عوامل شخصی در گرایش دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر مؤثر بوده است.

در ضمن بین رشته‌های تحصیلی در مورد تأثیر همه عوامل (آموزشی، شخصی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی) در گرایش دانش‌آموزان به شاخه کار دانش تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

مقدمه

یکی از مهمترین وظایفی که بر عهده نظام آموزش و پرورش هر کشور است، تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز برای بخشها و قسمتهای مختلف است که از طریق آموزشهای فنی و حرفه‌ای و آموزشهای کار دانش صورت می‌گیرد. آموزشهای فنی و حرفه‌ای و مهارتی در هر جامعه نقش حساسی در توسعه همه جانبه دارد، از این رو کلیه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به این امر مهم توجه خاصی مبذول نموده و سعی کرده‌اند تا تولیدکنندگان و بهره‌برداران عرصه‌های مختلف اعم از کشاورزی، صنعت و خدمات، خود را به علوم و فنون مربوط مجهز سازند (مطیعی، ۱۳۷۵). ورسپور^۱ (۱۹۹۲) یکی از مهمترین عوامل مؤثر در توسعه درون‌زا و پایدار کشورهای در حال توسعه را توجه به آموزشهای فنی-حرفه‌ای می‌داند. سادیک^۲ (۱۹۹۲) مدیر اجرایی صندوق جمعیت ملل متحد معتقد است شرکت نوجوانان و جوانان در این آموزشها در کشورهای در حال توسعه علاوه بر تأثیر اقتصادی، بازده و آثار فرهنگی، سیاسی و جمعیتی نیز دارد و به همین دلیل رهبران آموزشی این کشورها باید این آموزشها را در صدر اولویت قرار دهند.

یکی از مسائل مهمی که نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با آن روبه‌روست، چگونگی ترغیب و هدایت و جذب دانش‌آموزان با استعداد و با علاقه به این آموزشهاست. این

پژوهش به بررسی عوامل مؤثر در گرایش دانش آموزان دختر و پسر شهر اصفهان به شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای) خواهد پرداخت.

از نتایج حاصل از تحقیقات و بررسیهای به عمل آمده در این خصوص چنین استنباط می‌شود که متأسفانه اکثر دانش آموزان استقبال زیادی از آموزشهای فنی و حرفه‌ای و کار دانش نمی‌کنند و اخیراً این آموزشها از نظر تعداد دانش آموز در مقایسه با آموزشهای نظری رشد منفی داشته است و دانش آموزان بیشتر جذب رشته‌های نظری می‌شوند. زیرا زمینه ادامه تحصیل و ورود به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را در این رشته‌ها هموارتر می‌بینند. این مطلب را نتایج پژوهش نمکی بیدگلی (۱۳۷۵) مبنی بر اینکه بازبودن راه ادامه تحصیل و احتمال قبولی بیشتر در کنکور سراسری دانشگاهها از طریق رشته‌های نظری در مقایسه با رشته‌های فنی و حرفه‌ای عامل مؤثری در بی‌توجهی دانش آموزان به شاخه فنی و حرفه‌ای بوده است تأیید می‌کند.

همچنین در گرایشهای تحصیلی و شغلی و انتخاب رشته‌های تحصیلی دانش آموزان در دبیرستان عوامل متعددی از قبیل طبقه اجتماعی، میزان سواد و اطلاعات و شغل والدین، نگرش و اعتقاد والدین نسبت به رشته‌های تحصیلی، مشاوران، معلمان، دیران، دوستان، سوابق نمرات درسی و علاقه دانش آموزان نقش دارند که به برخی از تحقیقات انجام شده در این زمینه اشاره می‌گردد.

نتایج پژوهش صمیمی فرد (۱۳۷۴) که بر روی دانش آموزان سال اول نظام جدید شهرستان دزفول انجام گرفت بیانگر این است که بین تحصیلات و شغل والدین و گرایشهای شغلی و تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.

در مطالعه کانجر و پیترسون^۱ (۱۹۸۴) که بر روی ۱۶۰ دانش آموز دبیرستانی در کشور آمریکا انجام شده چنین بر می‌آید که معلمان، مشاوران و همسالان در انتخابهای شغلی نوجوانان تأثیر می‌گذارند.

در پژوهشی که کاس لاین^۲ (۱۹۹۶) در کشور آمریکا انجام داد، تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد که حاصل کار دانش آموزان با طرز نگرش مشاوران راهنما نسبت به آموزش فنی و حرفه‌ای مرتبط است. زمانی که طرز نگرش مشاوران راهنما نسبت به

آموزش فنی و حرفه‌ای مثبت بوده، افزایش بارزی در انتخاب دانش‌آموزان نسبت به آنچه مشاور راهنما توصیه کرده، دیده شده است.

پژوهش حاضر دارای ۵ سؤال اصلی و ۲ سؤال فرعی بوده است:

سؤالات اصلی

- ۱- عوامل آموزشی تا چه میزان در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر به شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای) مؤثر است؟
- ۲- عوامل شخصی تا چه میزان در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر به شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای) مؤثر است؟
- ۳- عوامل اقتصادی تا چه میزان در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر به شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای) مؤثر است؟
- ۴- عوامل خانوادگی تا چه میزان در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر به شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای) مؤثر است؟
- ۵- عوامل اجتماعی تا چه میزان در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر به شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای) مؤثر است؟

سؤالات فرعی

- ۱- آیا بین دانش‌آموزان دختر و پسر شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای) درباره میزان تأثیر عوامل بالا تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۲- آیا بین دانش‌آموزان دختر و پسر در رشته‌های مختلف شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای) درباره میزان تأثیر عوامل بالا تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

روش مطالعه

با توجه به اینکه این پژوهش در صدد است به بررسی عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر شهر اصفهان به شاخه کار دانش (آموزش فنی و حرفه‌ای)

بپردازد، می‌توان گفت این پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی^۱ است که در آن نظر دانش‌آموزان دختر و پسر مورد پرسش، تجزیه و تحلیل و مقایسه قرار گرفته است. در این پژوهش از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای^۲ استفاده شده است. جمعیت آماری ۱۸۶۱ نفر و حجم نمونه شامل ۲۰۸ نفر (۶۴ دانش‌آموز دختر و ۱۴۴ دانش‌آموز پسر بوده است).

برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از پرسشنامه بسته پاسخ استفاده شده است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ^۳ استفاده شده است که این ضریب برابر است با ۰/۹۱ که در سطح آلفای ۵ درصد معنادار می‌باشد. برای تعیین روایی از روش روایی محتوایی^۴ استفاده شده است.

همچنین اطلاعات به‌دست آمده در این پژوهش با استفاده از آمار توصیفی (نمودار، درصد، فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون^۱ استیودنت^۵، آزمون من ویتنی^۶، آزمون کروسکال وایس^۷) تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل آنها در مورد تأثیر عوامل آموزشی، شخصی، اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر به شاخه کار دانش چنین استنباط می‌شود که عوامل شخصی بیشترین تأثیر را داشته است. همچنین از مقایسه نظر دانش‌آموزان دختر و پسر چنین استنباط می‌شود که عوامل آموزشی و عوامل شخصی به یک اندازه در گرایش آنها به شاخه کار دانش مؤثر بوده و عوامل اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی در گرایش دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر مؤثر بوده است.

در ضمن در خصوص مقایسه میانگین رتبه‌ای همه عوامل (آموزشی، شخصی، اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی) در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر به شاخه کار دانش بر حسب رشته تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. عوامل آموزشی در گرایش

1- Survey

2- Cluster Sampling

3- Cronbach

4- Content-related validity

5- Student

6- Mann-whitney

7- Kruskal wallis

دانش‌آموزان به رشته حسابداری بیشترین تأثیر و در گرایش به رشته جوشکاری کمترین تأثیر را داشته است.

عوامل شخصی در گرایش دانش‌آموزان به رشته طراحی نقشه فرش دارای بیشترین تأثیر و در گرایش به رشته جوشکاری دارای کمترین تأثیر بوده است.

عوامل اقتصادی در گرایش دانش‌آموزان به رشته برق اتومبیل سواری بیشترین تأثیر و در گرایش به رشته جوشکاری کمترین تأثیر را داشته است.

عوامل خانوادگی در گرایش دانش‌آموزان به رشته الکترونیک بیشترین تأثیر و در گرایش به رشته جوشکاری دارای کمترین تأثیر بوده است.

عوامل اجتماعی در گرایش دانش‌آموزان به رشته تعمیر اتومبیل سواری دارای بیشترین تأثیر و در گرایش به رشته نقشه‌کشی ساختمان دارای کمترین تأثیر بوده است.

جدول شماره ۱- توزیع میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در خصوص میزان تأثیر عوامل آموزشی، شخصی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی در گرایش آنها به شاخه کار دانش

عوامل	میانگین X	انحراف معیار S	خطای معیار Se	T
آموزشی	۲/۵۸	۰/۶۰۳	۰/۰۴۲	-۱۰
شخصی (فردی)	۳/۶۷	۰/۸۰۹	۰/۰۵۶	۱۱/۹۶
اقتصادی	۳/۰۸	۰/۸۹۶	۰/۰۶۲	۱/۲۹
خانوادگی	۲/۴۹	۰/۰۰۵	۰/۰۷۰	-۷/۲۸
اجتماعی	۲/۴۷	۱/۰۵	۰/۰۷۳	-۷/۲۶

در مورد تأثیر زیر مقوله‌های عوامل آموزشی در گرایش دانش‌آموزان دختر و پسر به شاخه کار دانش، هر دو گروه از دانش‌آموزان، زیر مقوله «آگاهی از امکان ادامه تحصیل در شاخه کار دانش» را در گرایش خود به یک اندازه مؤثر دانسته‌اند.

جدول شماره ۲- مقایسه میانگین نمرات دانش آموزان دختر و پسر در خصوص میزان تأثیر عوامل آموزشی، شخصی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی در گرایش آنها به شاخه کار دانش

Z	عوامل	
	پسر میانگین رتبه	دختر میانگین رتبه
-۱/۷۳	۹۹/۶۷	۱۱۵/۳۸
-۱/۸۸	۹۹/۲۸	۱۱۶/۲۵
-۵/۰۴	۹۰/۵۳	۱۳۵/۹۴
-۲/۴۷	۹۷/۶۷	۱۱۹/۸۸
-۵/۱۱	۹۰/۴۴	۱۳۶/۱۳

یکی از علل افزایش دانش آموزان در رشته‌های نظری علاقه‌مندی به ادامه تحصیل و ورود به دانشگاه می‌باشد و راه ادامه تحصیل در این رشته‌ها را هموارتر و بهتر از رشته‌های فنی و حرفه‌ای می‌بینند، این نکته را نتایج پژوهش نمکی بیدگلی (۱۳۷۵) مبنی بر اینکه باز بودن راه ادامه تحصیل و احتمال قبولی بیشتر در کنکور سراسری دانشگاهها از طریق رشته‌های نظری در مقایسه با رشته‌های فنی و حرفه‌ای عامل مؤثرتری در بی‌توجهی دانش آموزان به شاخه فنی و حرفه‌ای بوده است تأیید می‌کند.

همچنین یکی دیگر از زیر مقوله‌های عوامل آموزشی «توصیه و راهنمایی مدیران، معاونان، دبیران و مشاوران» می‌باشد. در مقایسه تأثیر مشاوران با سایر کادر آموزشی (مدیران، معاونان، دبیران) در راهنمایی دانش آموزان به شاخه کار دانش چنین استنباط می‌شود که مشاوران بیشترین تأثیر را داشته‌اند که این مطلب نتایج تحقیق کاسرلین (۱۹۹۶) را که می‌گوید: حاصل کار دانش آموزان با طرز نگرش مشاوران راهنما نسبت به آموزش فنی و حرفه‌ای مرتبط است کاملاً مورد تأیید قرار می‌دهد.

یکی از مهمترین زیر مقوله‌های عوامل شخصی که در گرایش هر دو گروه از دانش آموزان به شاخه کار دانش مؤثر بوده، «علاقه و تمایل شخصی نسبت به طرز کار

وسایل فنی» و «ادامه تحصیل در سطح آموزش عالی» معرفی شده است که این مطلب نتایج تحقیق چایچی (۱۳۶۲) را مبنی بر اینکه بین انتخاب رشته تحصیلی و علاقه دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد و نیز نتایج تحقیق منوچهر گودرزی (۱۳۷۰) را مبنی بر اینکه از مهمترین عوامل مؤثر در جذب هنرجویان پسر به آموزشهای فنی و حرفه‌ای عامل علاقه و تمایل شخصی است؛ کاملاً تأیید می‌کند.

در این پژوهش از مقایسه نتایج به دست آمده در مورد عوامل اقتصادی چنین استنباط می‌شود که زیر مقوله‌های «پذیرش در بازار کار»، «کسب درآمد و مزایای اقتصادی بهتر در آینده» در گرایش دانش‌آموزان پسر بیشترین تأثیر را داشته است، پسران بیشتر برای اینکه در آینده نزدیک بتوانند جذب بازار کار شوند و به درآمد و مزایای اقتصادی دست یابند، وارد شاخه کار دانش شده‌اند.

در این پژوهش عوامل خانوادگی؛ زیر مقوله «توصیه و راهنمایی پدر و مادر و اعضای خانواده و ترغیب و تشویق افراد فامیل و آشنایان» در گرایش دانش‌آموزان دختر و زیر مقوله «اجبار والدین و اعضای خانواده» در گرایش دانش‌آموزان پسر بیشترین تأثیر را داشته است. در مورد عوامل اجتماعی از مقایسه نتایج به دست آمده چنین استنباط می‌شود که زیر مقوله «نگرش مثبت جامعه نسبت به آموزشهای فنی و حرفه‌ای» در گرایش دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر مؤثر بوده است و عامل «تبلیغ و معرفی آموزشهای فنی و حرفه‌ای از طریق رسانه‌های گروهی» در گرایش هر دو گروه از دانش‌آموزان به میزان بسیار کمی مؤثر بوده و این امر نشان‌دهنده این نکته است که رسانه‌های گروهی مانند رادیو و تلویزیون در این زمینه ضعیف عمل می‌کنند. این نکته به تعمق و بررسی زیادی نیازمند بوده و لازم است مسئولان و برنامه‌ریزان رادیو و تلویزیون به آن توجه نمایند.

پیشنهادهای تحقیق

- ۱- گنجاندن دروس عملی مناسب در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و ایجاد کارگاههای مطلوب در مدارس با امکانات کافی.

بررسی عوامل مؤثر در گرایش به شاخه کار دانش ... / ۱۴۳

- ۲- ایجاد و گسترش هر چه بهتر امکان ادامه تحصیل برای دانش آموزان شاخه کار دانش و فنی و حرفه‌ای در سطوح آموزش عالی به طرق مختلف.
- ۳- ارتقای میزان معلومات مدرسین دبیرستانهای کار دانش از طریق برقراری کلاسهای بازآموزی و کارآموزی.
- ۴- ارائه آموزشهای کاربردی مناسب همگام با نیازهای واقعی اشتغال در بازار کار از طرف دبیرستانهای کار دانش.
- ۵- ارتباط مداوم دبیرستانهای کار دانش با کارخانه‌ها و کارگاههای صنعتی.
- ۶- همکاری با مسئولان مدارس کار دانش در جهت تأمین امکانات و وسایل مورد نیاز و رفع هرگونه موانع و مشکلات احتمالی.
- ۷- همکاری با مسئولان مدارس کار دانش برای بازدید دانش آموزان از واحدهای تولیدی و صنعتی.
- ۸- ارائه برنامه‌های آموزشی و تبلیغی از طریق رسانه‌های گروهی بویژه تلویزیون به منظور ترغیب بیشتر نوجوانان به این رشته‌ها.

منابع و مأخذ

- چایچی، پرچیهر. (۱۳۶۲)، پژوهشی در زمینه بررسی عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی در بین دانش آموزان سال اول دبیرستانهای منطقه ۱۲ تهران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۷-۸، پاییز و زمستان.
- صمیمی فرد، محمدرضا. (۱۳۷۴)، رابطه اجتماعی دانش آموزان سال اول نظام جدید آموزش متوسطه با گرایشهای شغلی و تحصیلی آنان در سال ۱۳۷۳-۷۴ و ارتباط گرایشهای شغلی آنان با نیازهای جامعه در شهرستان دزفول، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان).
- گودرزی، منوچهر. (۱۳۷۰)، بررسی عوامل مؤثر در جذب هنرجویان پسر به آموزشهای فنی و حرفه‌ای در شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

مطیعی، محسن. نظام جدید متوسطه و نقش دستگاههای اجرایی، ماهنامه علمی توسعه روستایی و ترویج کشاورزی، خرداد ۱۳۷۵.

نمکی بیدگلی، علی. (۱۳۷۵)، بررسی عوامل مؤثر در گرایش و عدم گرایش به شاخه فنی و حرفه‌ای نظام جدید آموزش متوسطه از دیدگاه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه کاشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.

Casline, A.F. (1996). "Attitudes to towards vocational and technical education of New York state public secondary school guidance councilors and student use of vocational technical sequences". State University of New York at Albany.

Conger.J.J, and peterson, A.C, (1984). Adolescence in a changing world, New York: Haper and row.

Sadik, N. (1999). 6 Billion: A time for choices. U.S.A (New York): UNFPA.

Verspoor, A. (1992). Challenges to the planning of Education. world Bank. No. PHREE / 92/69.

پرتال جامع علوم انسانی